

هدف از این موضعگیری "ضد امپریالیستی" چیست؟

منشعبین سازمان ما بار دیگر ماشین توهین و اتهام پراکنی خود را براه انداخته اند و با منطق و استدلالات کیهان شریعتمداری به جنگ بخش بزرگی از چپ ایران و دانشگاه ایران تریبونال رفته اند. چرا و چگونه دادگاهی که می خواهد افکار عمومی را بر علیه سران جمهوری اسلامی بسیج کند اینگونه مورد حمله و تهمت قرار می گیرد. پشت چنین سیاستی چه هدفی نهفته است؟

ستیز با آزادی های دمکراتیک و بورژوازی با برجسب پدیده های نامطلوب بورژوازی در تاریخ چپ و بخصوص چپ اردوگاهی تازگی ندارد، انحرافی است استالینیستی که دستاوردهای دمکراتیک و آزادی های سیاسی در جهان بورژوازی امروزی را تنها توطئه و دام امپریالیستی میدانند. آزادی های دمکراتیک و بورژوازی پدیده هایی هستند که در آغاز حکومت بورژوازی در جهان بوجود آمده اند و از زمان پیدایش آنها بورژوازی تلاش بر کنترل و مهار آنها دارد و سوی دیگر میلیون ها نفر در اقصاء نقاط جهان از این آزادیهای دمکراتیک بهره می جویند و خواهان تعمیق و تضمین آنها هستند. بر خلاف درک استالینیستی - تروتسکیستی آزادیهای بورژوازی و تمامی جوامع مدنی در کشورهای سرمایه داری دام و "مراکز توطئه" امپریالیست ها نیستند. در جهان سرمایه داری کنونی میتوان طیف وسیعی از انجمن ها، محافل سیاسی، احزاب و رسانه های مستقل را یافت. نیروها و نهادهای مترقی با دستیابی به مدیای جدید از جمله اینترنت در سالهای اخیر توانسته اند مواضع خود را در حمایت از آزادی های سیاسی و اجتماعی بسط و گسترش دهند.

هدف از ذکر مطالب بالا دادن درس نظری و اخلاق به منشعبین سازمان ما نیست چرا که خود این رفقا این درس را به نیکی می دانند و وقتی موقعیت ایجاب کند نه تنها با برخی مراکز فرهنگی و سیاسی وابسته به سوسیال دمکراتهای اروپایی همکاری تنکاتنگ میکنند و پروژه مشترک انجام میدهند که حتی در برنامه های بی بی سی و صدای آمریکا نیز شرکت میجویند. چرا این رفقا در جلسات و مصاحبه های تلویزیونی شرکت میکنند که مخارج آن مستقیماً از سوی وزارت خارجه بریتانیا و کنگره آمریکا پرداخته میشود؟ قسم "ضد امپریالیستی" رفقا را باید پذیرفت یا دم خروس را؟

آیا برخورد هیستریک انشعابیون تنها ریشه در دید انحرافی آنها از مقوله دمکراسی و حقوق بشر دارد یا تنها نشان از سیاست کوتاه بینانه و انحصارطلبانه آنها دارد؟ آیا قرار است هر حرکتی که این رفقا در آن دخالتی ندارند بورژوازی تلقی گردد و تحریم شود؟

کویدین بر طبل "ضد امپریالیستی" و مخالفت با نیروهای مترقی و انتشار اتهام نامه ها از زبان چپ در ایران پدیده جدیدی نیست. حزب توده در سالهای 59 تا 61 نیز از این حربه "ضد امپریالیستی" سود می جست و نیروهای سیاسی دیگر را به همکاری با امپریالیستها متهم می کرد. احیای این شیوه و برخورد آلوده پس از 33 سال و آنهم مخالفت با برگزاری دادگاهی نمادین بر علیه سران رژیم اسلامی شگفت انگیز است. البته در جهان معاصر تنها این رفقای "ضد امپریالیست" ما نیستند که سمت حرکت آنها را مواضع امپریالیسم روشن می سازد. در بریتانیا و آمریکا کماکان می توان احزاب در حال انقراضی را یافت که از زاویه مبارزه با امپریالیسم به جمع هواداران احمدی نژاد پیوسته اند.

سیاست نیروهای چپ بایستی بر پایه منافع طبقاتی کارگران، فمینیسم، همبستگی با کارگران جهان و دفاع از دمکراسی و آزادیهای سیاسی شکل گیرد. وجه مکمل این سیاست تلاش برای صلح و پیشرفت علمی است. قرار نیست سمت حرکت و مسئله روز نیروهای چپ را امپریالیسم و سیاست های آن تعیین کند.

متهم کردن افراد به جاسوسی، گرفتن پول از بیگانگان، همکاری با امپریالیسم و نصیب بردن از امکانات امپریالیستی در نوشته هایی که بنام سردبیری سایت منشعبین و یا به نام اعضای این جریان نگارش می شوند حاکی از سقوط اخلاقی نویسندگان این مقالات دارد. تهمت زدن به سه سازمان چپ و بعضی از فعالان آنها اگر تنها مشابه رفتار کیهان شریعتمداری نباشد بی شباهت به ادبیات اوایل انقلاب حزب توده و یا دشنام نامه های نشریه مجاهد در دهه 60 و 70 نیز نیست. وقتی منطق و سندی در میان نباشد جایش را فحش و افترا میگیرد. بخش وسیعی از چپ ایران دیگر به آن بلوغ سیاسی رسیده است که تسلیم این شانناژها و فیل هوا کردن های "ضد امپریالیستی" نشود.

براستی این همه لجاجت و مخالفت منشعبین سازمان ما با دادگاه نمادین علیه سران جمهوری اسلامی برای چیست؟ پشت این سیاست چه هدفی نهفته است؟

اگر استدلال کودکانه منشعبین را بخوانید می بینید که هسته اصلی آن ترور شخصیتی فردی است بنام پیام اخوان، که در دادگاه دیکتاتور سابق یوگسلاوی معاون دادستان دادگاه بین المللی بوده (که بنظر منشعبین عملی است نابخشوندنی). کجا سازمان ما از جنایتکاران و دیکتاتورهایی نظیر میلوسویچ دفاع کرده که حالا قرار است معاون دادستان دادگاه آن مجرم شناخته شود. گویا حافظه منشعبین یاری نمیکنند اما سازمان ما از مدافعان دادگاههای بین المللی بوده و ما خواهان محاکمه سران جمهوری اسلامی در آن بودیم و از قضاء امریکا از جمله کشورهای است که با گسترش حقوق این دادگاه بین المللی مخالف است. گویا اتهام دیگر پیام اخوان عضویت در این یا آن فوروم بورژوازی است و یا این که او مدافع تحریم اقتصادی ایران است. پس شعار آزادی عقیده، حق احترام به آزادی آحاد ملت در عضویت در احزاب، تشکلات، مجامع و ... تنها شعار است؟ از چه زمانی قرار شد که چپ عضویت افراد در نهادهای راست را جرم بشمارد؟ و از اینرو به اعضای احزاب و تشکلات راست حق ندهد تا عضو قوه قضائیه باشند؟ این سیاست جمهوری اسلامی و شورای نگهبان آن است و نه سیاست چپ. عضویت در هر تشکل سیاسی و فرهنگی و داشتن هر عقیده سیاسی حق مسلم هر فرد است و کسی حق تعرض به حقوق فردی و اجتماعی مردم را ندارد. از چه زمانی قرار شده است چپ نقش شورای نگهبان جمهوری اسلامی را بازی کند؟ از چه زمانی قرار شده است دادستان دادگاهها چپ باشند؟ و یا اینکه تشخیص صلاحیت آنان از فیلتری بگذرد؟ گویا منشعبین در جمع تدارک دهندگان این تریبونال دو مجاهد را هم یافته اند. دید منشعبین سازمان ما به حقوق فردی و آزادیهای سیاسی فاجعه بار است و تکرار رفتار سیاه "چپ دولتی" است، تکرار اخلاق ناپسندی است که چپ جهانی سالهاست آنرا پشت سر گذارده است.

محکومیت جنایت سران تبهکار اسلامی در یک دادگاه بین المللی- هر چند نمادین باشد- سندی است در دست مردم ایران که رژیم اسلامی را بیش از پیش رسواتر و آسیب پذیر تر میسازد. اگر اجرای این دادگاه نمادین احقاق حقی برای قربانیان و خانواده های آنان نباشد، حداقل مرهمی است بر درد آنان و زدودن گرد فراموشی 30 ساله ایست که میرفت این جنایات هولناک را شامل مرور زمان کند.

حمید موسوی پوراصل

28 اکتبر 2012